

Strategies for Reducing Trial Delays in the Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran with Emphasis on Judicial Management

1. Mohammadreza Motamedizadeh: Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran
2. Hamid Delir*: Assistant Professor, Department of Law, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. Email: Hamiddelir97@gmail.com (Corresponding Author)
3. Seyyed Mahdi Ahmadi Mousavi: Assistant Professor of Law Department, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

ABSTRACT

The problem of trial delays in judicial courts causes numerous detrimental consequences for actors in the judicial field, including litigants, prosecutors, court judges, as well as other staff members and executive managers of the Judiciary. One of these consequences is the disruption of the Judiciary's performance in achieving the objective of fair and equitable adjudication. This issue becomes particularly significant in the criminal justice system. The primary aim of this study is to identify strategies for reducing trial delays through an examination of factors influencing judicial management. Conducted using library resources and an analytical–descriptive method, the study found that measures taken by the Judiciary to develop and enhance the performance of electronic systems constitute one of the most influential factors among other determinants of judicial management, leading to a reduction in trial delays in Iran's criminal policy. Furthermore, the use of such systems, by increasing transparency in the Judiciary's performance and enabling continuous public oversight, further facilitates the realization of judicial justice through the rule of law.

Keywords: *trial delay, fair trial, criminal procedure, judicial management.*

How to cite: Motamedizadeh, M., Delir, H., & Ahmadi Mousavi, S. M. (2023). Strategies for Reducing Trial Delays in the Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran with Emphasis on Judicial Management. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 5(2), 220-238.

© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 May 2023
Revise Date: 23 August 2023
Accept Date: 29 August 2023
Publish Date: 21 September 2023



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

راهکارهای کاهش اطلاع دادرسی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مدیریت قضایی

۱. محمدرضا معتمدی زاده: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

۲. حمید دلیر*: استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. پست الکترونیک: Hamiddelir97@gmail.com
(نویسنده مسئول)

۳. سیدمهدی احمدی موسوی: استادیار گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

چکیده

معضل اطلاع دادرسی در دادگاه‌های دادگستری برای کنشگران حوزه قضایی اعم از مراجعین، قضات دادرسی و دادگاه‌ها و هم‌چنین سایر کارکنان و مدیران اجرایی قوه قضائیه، آثار زیانبار فراوانی را به دنبال دارد. یکی از این آثار اختلال عملکرد قوه قضائیه در دستیابی به تحقق هدف دادرسی عادلانه و منصفانه است. این مسئله طور ویژه در نظام دادرسی کیفری اهمیت دوچندانی می‌یابد. هدف اصلی این پژوهش آن است که با بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت قضایی، راهکارهایی برای کاهش اطلاع دادرسی یافت شود. در این پژوهش که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است، اقدامات قوه قضائیه در راستای توسعه و افزایش عملکرد سامانه‌های الکترونیکی یکی از عوامل بسیار مؤثر از میان سایر عوامل مؤثر بر مدیریت قضایی شناخته شد که منجر به کاهش اطلاع دادرسی در سیاست جنایی ایران می‌شود. علاوه بر اینکه با استفاده از این سامانه‌ها، در نتیجه شفافیت عملکرد این قوه و امکان نظارت همیشگی مردم، موجبات تحقق عدالت قضایی از طریق حاکمیت قانون را بیش از پیش قابل دسترسی می‌سازد.

واژگان کلیدی: اطلاع دادرسی، دادرسی عادلانه، دادرسی کیفری، مدیریت قضایی.

نحوه استناددهی: معتمدی زاده، محمدرضا، دلیر، حمید، و احمدی موسوی، سیدمهدی. (۱۴۰۲). راهکارهای کاهش اطلاع دادرسی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مدیریت قضایی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۲)، ۲۳۸-۲۲۰.

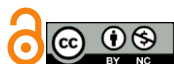
© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۷ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۳۰ شهریور ۱۴۰۲



یکی از قدیمی‌ترین معضلات دستگاه قضایی ایران، اطلاع دادرسی است. اصلاح فرآیندهای رسیدگی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران به منظور جلوگیری از اطلاع دادرسی، یکی از امور ضروری جهت بهبود و افزایش کارآمدی این نظام است. به همین جهت، قوای مقننه و قضائیه همواره تلاش داشته است تا امکان حداکثر بازدهی در قانون‌گذاری و رسیدگی به پرونده‌ها ایجاد گردد تا ضمن کوتاه شدن زمان دادرسی و تسریع در تصمیم‌گیری‌ها، اطلاع دادرسی ناشی از معیوب بودن فرآیند دادرسی اعم از مرحله کشف جرم، تعقیب، تحقیق و رسیدگی در دادگاه نیز از بین برود.

اطلاع دادرسی، طولانی شدن غیر متعارف جریان رسیدگی به یک پرونده است که این طولانی بودن فرآیند رسیدگی به دعاوی و شکایات، موجب نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به دستگاه‌های قضایی و انتظامی، تراکم کار در محاکم قضایی و خستگی عوامل انسانی و کم رنگ شدن عدالت و امنیت، کاهش قاطعیت و اقتدار قوه قضاییه می‌گردد؛ همچنین، اطلاع دادرسی در امور کیفری، فاصله بین کیفر و ارتکاب عمل مجرمانه را آنقدر زیاد می‌نماید که اثر بازدارندگی مجازات را از بین برده و رعب و هراس مجرمان را از عواقب اعمالشان کاهش می‌دهد. نتیجه چنین وضعیتی، افزایش جرایم، ناامنی و ازدیاد پرونده‌ها در مراجع قضایی و انتظامی است. با توجه به اهمیت موضوع یافتن راهکارهایی در جهت حل مشکل اطلاع دادرسی در سیاست جنایی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مدیریت قضایی پرونده از زمان وقوع یا کشف جرم توسط شخص یا مقام صالح، شروع تحقیقات مقدماتی و دستور به ضابطین برای کمک در این امر، همچنین طی فرآیند تشریفات قانون آیین دادرسی کیفری در رسیدگی‌های دادسرا، سپس صدور قرار نهایی دادسرا و در نهایت رسیدگی در دادگاه صالح و صدور حکم، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفته که موجب اطلاع دادرسی می‌شود. در این میان نقش دولت الکترونیک قضایی از آن جهت که نمایان‌کننده شفافیت قضایی بوده و امکان نظارت همیشگی بر این فرآیندها را بیش از پیش ممکن می‌سازد بسیار پررنگ است.

بیشتر مقالاتی که به این حوزه نزدیکی دارند با توجه به نقش دفاتر خدمات الکترونیک و بررسی پیرامون اثر عملکرد آن‌ها از سوی محققان در خصوص اطلاع دادرسی و عوامل مؤثر بر آن منتشر شده است. در این میان باید به مقاله فرشته ریاضی در سال ۱۳۹۸ با عنوان «بررسی نسبت بهبود کارایی قوه قضاییه و استفاده تکنولوژی در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی» (Riyazi, 2019) و مقاله یاری نیک و شعبان‌نیا منصور در سال ۱۳۹۹ تحت عنوان «تأثیر دفاتر خدمات الکترونیک قضایی بر کاهش اطلاع دادرسی مطالعه موردی در کلان‌شهر تهران» (Yari Nik & Shabannia Mansour, 2020)، اشاره نمود. لکن این موارد تنها بخشی از مصادیق مدیریت قضایی برای کاهش اطلاع دادرسی است. در این مقاله با تأکید بر نقش مدیریت قضایی در تعامل ضابطان دادگستری با سایر قوا و آگاهی آن‌ها از تجهیزات الکترونیکی، تخصصی شدن محاکم، تسریع دادرسی با بهره‌مندی از معاضدت وکلای دادگستری، یکپارچگی قضایی و خودکارسازی فرآیند دادرسی، رسیدگی با کیفرخواست شفاهی، صدور دستورالعمل‌های اجرایی مؤثر بر کاهش اطلاع دادرسی با بررسی سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران، اطلاع دادرسی در سیاست جنایی قابل کنترل و کاهش شناخته شد.

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای جهت نگارش مقاله استفاده شده است.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران برای بهبود و افزایش کارآمدی نظام قضایی ناگزیر از اصلاح فرآیندهای رسیدگی است. نقطه شروع تکلیف محاکم دادگستری در بر اقدامات قضایی، تسلیم شکایت یا تقدیم دادخواست است. رعایت اصولی که قانون‌گذار در قوانین آیین دادرسی بدان اشاره نموده است، موجبات پیشگیری از ایجاد اطاله دادرسی ناشی از معیوب بودن فرآیند دادرسی را ایجاد می‌کند (Rafiei Tabatabaei, 2020). به عنوان نمونه، جرایم تعزیری امری پذیرفته شده و مورد اتفاق حقوقدانان است (Bahreman et al., 2017). در واقع، با رویکردی ترمیمی در کیفرهای جایگزین، می‌توان گفت که این جایگزین‌ها (تعویق تعقیب، تعلیق مراقبتی، نظارت قضایی و نظام نیمه‌آزادی) به بازسازی بزه‌کار و جبران خسارت بزه‌دیده و جلوگیری از تکرار جرم کمک کرده و در این راه سه نهاد جامعه، بزه‌کار، بزه‌دیده در تعامل با هم قرار می‌گیرند و با مشارکت یکدیگر در پیش‌گیری از تکرار جرم نیز نقش ایفا می‌کنند (Yousefinejad & Aghajani, 2017). در ایران، با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ شاهد ورود «نهادهای ارفاقی» جدیدی به نظام عدالت کیفری ایران هستیم. نهادهای مذکور با رویکردی ارفاقی، در صدد است تا ضمن اعمال کیفر، زمینه را برای بازسازی محکوم‌علیه فراهم نماید. با این حال، رویکرد قضات همچنان به اعمال «نهادهای ارفاقی» سستی است که به نظر می‌رسد، عواملی چون آمارگرایی، عدم انس جامعه کیفری با نهادهای جدید و رویکردهای عوام‌گرایانه کیفری سبب شده که «نهادهای ارفاقی» جدید، کم‌تر مورد توجه قضات قرار گیرند (Pourghahramani & Negahdar, 2019).

راهکارهای کاهش اطاله دادرسی از طریق مدیریت فرآیند قضایی در دسته‌های تعامل ضابطان دادگستری با سایر قوا و آگاهی آن‌ها از تجهیزات الکترونیکی، تخصصی شدن محاکم، تسریع دادرسی با بهره‌مندی از معاضدت وکلای دادگستری، یکپارچگی قضایی و خودکارسازی فرآیند دادرسی، رسیدگی با کیفرخواست شفاهی، صدور دستورالعمل‌های اجرایی مؤثر بر کاهش اطاله دادرسی با بررسی سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران یافته می‌شود.

تعامل ضابطان دادگستری با سایر قوا و آگاهی آن‌ها از تجهیزات الکترونیکی

در نظام قضایی کنونی، انجام هر یک از مراحل دادرسی کیفری به عهده مرجع و یا سازمان خاصی محول می‌باشد. در همین راستا کشف جرم به عهده ضابطین دادگستری، تعقیب مجرمین و اجرای احکام جزایی وظیفه دادرسی و محاکمه و صدور رای داخل در صلاحیت دادگاه‌های عمومی جزایی است. لازم به توضیح است که متعاقب طرح شکایت کیفری مقامات قضایی بیش از نود درصد شکایات را جهت کشف جرم و شناسایی مجرمین به ضابطین دادگستری ارجاع می‌نمایند و چنانچه ضابطین در اجرای دستورات محوله سرعت و دقت کافی نداشته باشند، پرونده برای ماه‌ها بلکه سال‌ها در حال رسیدگی بوده و دعوی مطروحه به مقصد مطلوب نمی‌رسد.

با گسترش جوامع بشری که بالطبع منجر به گسترش جرایم در جامعه با استفاده از روش‌های گوناگون و پیچیده ارتکاب جرم می‌شود و نیز اهمیت فرآیند پیگیری در پژوهشات مقدماتی و رسیدگی به علل وقوع و کشف جرم، جامعه را بر آن داشته است که به پژوهشات مقدماتی پدیده‌های مجرمانه بپردازد. پژوهشات مقدماتی موثرترین و بهترین راه برای کشف جرم، تعقیب و دستگیری متهم، جلوگیری از فرار وی، حفظ آثار و ادله جرم و تسهیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم با توجه به اصل برائت است و به کلیه اقدامات و تدابیری گفته می‌شود که هدف آن آماده سازی پرونده و تسریع رسیدگی در دادگاه است که از سوی ضابطان دادگستری راساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی یا از سوی قضات پژوهش و نیز سایر مقامات صالح قضایی انجام می‌شود. بنابراین هر اقدامی در جهت

کشف جرم و دلایل آن باشد، پژوهشات مقدماتی محسوب می‌شود که بر همین اساس مشمول تمامی اقدامات کیفری و غیرکیفری بعد از وقوع جرم می‌باشد.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد پژوهشات مقدماتی وجود دارد که امروزه آیین دادرسی کیفری ایران از نظام دادرسی مختلط الهام گرفته که مرحله پژوهشات مقدماتی تابع نظام تفتیشی و مرحله دادرسی تابع نظام اتهام است؛ فلذا برای آنکه تعامل ضابطان دادگستری با سایر قوا در حوزه پژوهشات مقدماتی بتواند به بهترین شکل ممکن نمود پیدا کند و قابلیت اجرایی یابد، نیازمند همیاری و تعامل ضابطان دادگستری با سه قوه قضاییه، مقننه و مجریه می‌باشد. هرچند مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری (پژوهشات مقدماتی) برعهده ضابطان دادگستری زیر نظر مقامات ذی صلاح قوه قضاییه نهاده شده است، اما متولی بودن قوه قضاییه در پژوهشات مقدماتی به معنای نقش نداشتن دیگر ارگان‌ها و نهادها نمی‌باشد، بلکه دیگر ارگان‌ها به عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه برای پژوهشات مقدماتی محسوب می‌شوند. بنابراین علت سپردن امر پژوهشات مقدماتی به قوه قضاییه به آن سبب است که مهم‌ترین سازمانی که بتواند از فرار متهم جلوگیری، حفظ آثار و ادله جرم و تسهیل و تمهید دلایل و قوف داشته باشد، قوه قضاییه است؛ فلذا این قوه باید در امر پژوهشات مقدماتی تدابیر و خط مشی خاصی را دنبال نماید تا پژوهشات مقدماتی در معنای علمی تثبیت شود و با عنایت به عملکرد و کارهای پژوهشی و کاربردی قوه قضاییه چنین اندیشه‌ای در حال شکل‌گیری و تثبیت است.

در همین راستا قوه قضاییه از طریق سازمان‌ها و ارگان‌های اجرایی زیر مجموعه خود مانند فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی، روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت، اطلاعات سازمان اطلاعات سپاه و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح و سازمان‌های مردم نهاد در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شده است، می‌تواند نقش و جایگاه مهمی در پژوهشات مقدماتی داشته باشد. در راستای مطالعه نظام واحد پژوهشات مقدماتی، بدون شک تحلیل‌های استراتژی‌های کاربردی و اجرایی و مطالعه تصمیمات ارگان‌هایی متفاوت قوه مجریه در خصوص پژوهشات مقدماتی همدوش قوه قضاییه امری ضروری و اصلی می‌باشد؛ فلذا قوه قضاییه جز با تعامل با قوه مجریه نمی‌تواند در امر پژوهشات مقدماتی موفق باشد. به این جهت، قوه مجریه با همکاری قوه قضاییه، نقش فعالی در تعامل ضابطان دادگستری در حوزه پژوهشات مقدماتی دارد. از اینرو قوه مجریه از طریق وزارتخانه‌های زیر مجموعه خود نقش بسزایی در پژوهشات مقدماتی می‌تواند ایفا کند.

بالاترین سطح تعاملات ضابطان دادگستری با قوه مجریه در وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت کشور می‌باشد. ضابطان در تعامل با آموزش و پرورش به دنبال بالا بردن سطح تعهد به قانون و قانونگرایی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقا دانش حقوقی دانش آموزان هستند. ارتباط و تعامل با آموزش و پرورش از این جهت برای ضابطان دادگستری از ارزش خاصی برخوردار است که دانش آموزان در سنین مهمی هستند و همه آموزش‌ها برای آنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی باعث کاهش چشمگیر هزینه‌های ضابطان را در سال‌های آینده خواهد شد و در واقع این نوع تعاملات هدف دار به منظور نوعی سرمایه‌گذاری دراز مدت برای ضابطان دادگستری به حساب می‌آید، زیرا بسیاری از جرایم به علت عدم آگاهی و آموزش کافی در سنین پایین رخ می‌دهد. در واقع آموزش‌های لازم به دانش آموزان منجر به کاهش جرایم در سال‌های آتی می‌شود که بالطبع کاهش پژوهشات مقدماتی را در پی دارد.

تعامل ضابطان دادگستری با وزارت کشور پیوستگی نزدیکی با معنا امنیت ملی دارد؛ معنایی که در واقع هم برای ضابطان دادگستری و هم برای وزارت کشور مسئله مهمی به حساب می‌آید و همه این تعاملات برای ایجاد امنیت می‌باشد. بر این اساس، امنیت زنجیره ارتباطی بین

وزارت کشور و ضابطان دادگستری است؛ در جهت احقاق و اجرا امنیت جامعه و شهروندان در عرصه ملی، ضابطان دادگستری و وزارت کشور، پروژه‌ها و پروگرام‌ها، استراتژی‌ها و ترجیح بندی‌های امنیتی را در حیطه رایزنی‌ها و تدابیر دفاعی - امنیتی را با تصویب فرماندهی معظم کل قوا و شورای عالی امنیت ملی به شورای امنیت کشور اعلام می‌نماید. شورای امنیت کشور در حیطه این خط مشی و دیپلماسی‌ها، توصیه‌ها را بررسی و مصوب می‌نماید. ضابطان دادگستری در مواقع آشوب‌ها و ناآرامی‌های امنیتی، اتفاقات غیر منتظره و سری امور خطیر و ملی مثل برگزاری انتخابات، در حیطه سیاست‌های فرمانده معظم کل قوا و تدابیر ستاد کل و مصوبات شورای عالی امنیت ملی و شورای امنیت کشور، مکلف به همراهی و مساعدت کارآمد با وزارت کشور می‌باشد و در نهایت بار دیگر باید گفت که پژوهشات مقدماتی، مستلزم مکانیسم و تدارک اقدام‌هایی است که با همکاری و تعامل ضابطان دادگستری با سایر قوا و سازمان‌های مردم نهاد و... تامین می‌شود. بدین جهت باید پذیرفت که هدف قانون آیین دادرسی کیفری در وا نهادن وظیفه پژوهشات مقدماتی بر عهده ضابطان دادگستری، مدیریت آن به جهت تحقق و ارتباط موضوع با قوه قضاییه می‌باشد و بی‌تردید دستگاه قضایی در پژوهشات مقدماتی از همکاری و تعامل دیگر سازمان‌ها در حدود تکالیف واگذار شده به آن‌ها بی‌نیاز نیست. پس پژوهشات مقدماتی امری موقتی و موردی نیست، بلکه اعمالی است که باید در حیطه یک سیاست کلی همه‌جانبه پیگیری و تعقیب شود. و همه سازمان‌های جامعه باید در وقوع این امر مهم مداخله داشته باشند (Moghimi & Mirshekari, 2022).

یکی از عوامل مؤثر در عملکرد ضابطان که موجب اطلاع دادرسی و نهایتاً ضرر مردم در دستیابی به عدالت با تظلم‌خواهی آنان از تعدی قانون‌شکنان می‌شود، ضعف عملکرد ضابطان در کشف جرم است که خود باعث افزایش ارتکاب جرایم شده و نهایتاً با افزایش امار پرونده‌ها سبب اطلاع دادرسی می‌گردد (Rajabi Tajamir & Razavi, 2016).

ابتکار عمل در اجرایی کردن دستورات قضایی و رعایت قوانین در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی با ضابطان دادگستری که رکن رکین و مؤثر در روند دادرسی تا صدور حکم هستند بوده و بر این اساس عملکرد آنان اثر به سزایی در احقاق حق طرفین پرونده خواهد داشت. این موضوع در جرایمی مانند جرایم علیه امنیت که ضابط نقش شروع کننده شکایت را در اقامه دعوی کیفری علیه اشخاص برعهده دارد از جمله عوامل مؤثر بر اطلاع دادرسی است (Gisuyi, 2020).

در این میان، تجهیزات الکترونیکی وسایل بسیار مهمی در کار ضابطان در راستای تکالیف متعددی که قانون آیین دادرسی کیفری بدان حکم کرده دارند. از جمله آثار استفاده صحیح از تجهیزات الکترونیکی توسط ضابطان در فرآیندهای دادرسی کیفری، ساماندهی و افزایش سرعت در انجام امور ضابطان و همچنین کاستن از ایجاد موقعیت‌های تنش‌زا در روابط مابین ضابطان و متهمین است. بر این اساس در ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴ چنین مقرر شده است: «مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه با هماهنگی دادستان کل کشور و دستگاه‌های مربوط و رعایت ملاحظات حفاظتی و امنیتی، بانک اطلاعات ضابطان دادگستری را به گونه‌ای که مقامات قضایی مرتبط با ضابطان بتوانند به آن دسترسی داشته باشند، در سامانه پرونده قضایی پیش‌بینی و ایجاد می‌نماید».

همچنین در راستای اجرای مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی، ضابطان دادگستری بخشی از وظایف خود را باید با استفاده از «سامانه سخا» و بر پایه «آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵» اجرا نمایند. این سامانه برای طرفین دعوا، نماینده قانونی ایشان، دفاتر خدمات قضایی، کارشناسان و ضابطان قضایی قابل دسترسی بوده و مدیریت و اجرای انواع خدمات قضایی از طریق این

سامانه انجام می‌شود. به همین منظور چنانچه ضابطان به تجهیزات الکترونیکی نظیر این سامانه آگاهی داشته باشند، رعایت حقوق اشخاص و کاهش اطلاع دادرسی محقق می‌گردد.

اگرچه استفاده از ICT، بر فرهنگ‌ها و شکل زندگی اجتماعی و اقتصاد و پیشرفتهای اجتماعی جوامع تأثیر گذاشته است، امنیت اجتماعی را نیز دستخوش تغییر و تحولات زیادی کرده است. تغییراتی را که امنیت اجتماعی رخ میدهد، میتوان از جنبه‌های مختلف تغییر در نوع و ماهیت بررسی کرد و از آنجا که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات، سبب فکری تر شدن، ناپایداری تر شدن و تخصصی تر شدن مشاغل می‌شود؛ لذا آموزش مستمر و ارتقای سطح دانش و آگاهی از ملزومات شغلی افراد، ضروری به نظر میرسد که این مهم در مشاغل حساس قضایی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. باید در نظر داشت که تحلیل آماری صحیح از وقوع جرایم می‌تواند در برنامه ریزی‌های مدیریتی برای پیشگیری و کنترل جرایم بسیار موثر باشد، چراکه پیشگیری از جرم همواره یکی از موضوعات اساسی و مهم در زندگی بشری بوده که در طول تاریخ به شیوه‌های مختلف اعمال گردیده است. با توجه به گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباط و توسعه سیستم‌های اطلاعاتی در سازمان‌ها، یکی از اهداف متمرکز بر داده‌های حاصل از اطلاعات کیفی مندرج در سامانه‌های قضایی، مطالعه و بررسی روشی مبتنی بر داده‌کاوی است که با بکارگیری بانک‌های اطلاعاتی موجود و استفاده از ابزارها و الگوریتم‌های داده‌کاوی، بتوان داده‌های موجود را مدل و الگوهای جرم را شناسایی و کشف نمود تا بدین طریق دستگاه قضایی بتواند وقوع جرم را پیش‌بینی کرده و با کنترل دقیق تر و اعمال برنامه‌های پیشگیرانه، از وقوع جرایم پیشگیری نماید (Karkhaneh et al., 2020).

در این راستا باید ضابطین به طور مستمر آموزش دیده تا نسبت به راهکارهای عملی و قوانین و مقرراتی که ناظر به امور محوله به آنان است، مهارت‌های لازم را کسب نمایند. اثر این اقدام حسن و تسریع انجام وظایف ضابطان است. به همین جهت قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری قوه قضائیه را مکلف نموده است تا با برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر زمینه کسب مهارت‌های لازم جهت ایفاء وظایف قانونی ضابطان را فراهم نماید.

به علاوه امر بازرسی مستمر و اعمال نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی و اشخاص حقوقی و حقیقی مأمور به خدمات عمومی باعث می‌گردد تا مستخدمین دولتی، حسن انجام وظیفه و تسریع در امور محول را نصب العین خویش قرار داده و از هرگونه اهمال و سهل‌انگاری که موجبات رکود امور را فراهم می‌آورد، خودداری نمایند. ضابطین دادگستری نیز، به لحاظ اهمیت وظایف آنان در امر کشف جرم و تعقیب مجرمین از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. اعمال نظارت و بازرسی مداوم از ضابطین توسط دادستان باعث ایجاد نظم و انضباط در رفتار و افزایش دقت در ارائه خدمت و رفع ایرادات و نقایص موجود می‌گردد. خلاصه اینکه نظارت صحیح و مطمئن، بدون شائبه می‌گیری و با هدف اصلاح امور تأثیر غیرقابل انکاری در مقابله با معضل اطلاع دادرسی خواهد داشت.

تخصصی شدن محاکم

تخصص‌گرایی، پدیده‌ای است که برای مدیریت حیات پیچیده مدرن گریزناپذیر است. دولت‌های مدرن و از جمله دولت ایران برای تأمین حیات جامعه و کسب مشروعیت اقداماتی انجام دادند که وجوهی تکنوکراتیک داشته است (Towfigh & Tahmak, 2020)؛ از جمله آن تشکیل دادگاه‌های تخصصی است. به عنوان مثال، در جرایم اقتصادی که ماهیت فنی و پیچیده تری نسبت به سایر جرایم داشته و حقوقدانان من جمله مقامات قضایی و مراجع تحقیق به دلیل آموزش نظام سنتی حقوق بر اساس جرایم کلاسیک، آشنایی کمی با حیطه جرایم اقتصادی دارند. این در حالی است که در حال حاضر رسیدگی به جرایم اقتصادی به دادگاه‌های عمومی کیفری که صلاحیت عام در رسیدگی به حوزه

جرائم داشته نیز ارجاع شده و آنان مکلف به رسیدگی به این پرونده‌ها هستند حالیکه این امر با پیچیده شده و وسعت گرفتن دامنه جرایم اقتصادی همخوانی ندارد. بر این اساس ضرورت اقدامی که در سال‌های اخیر با تشکیل پلیس تخصصی مبارزه با جرایم اقتصادی در پلیس آگاهی صورت گرفته در مراجع دادگستری نیز با آموزش قضات ویژه با تخصص‌های اقتصادی صورت پذیرد. به تعبیری پیش‌بینی یک دادرسی افتراقی با هیئت رسیدگی کننده مستقل و با آموزش‌های تخصصی، تضمین کننده رسیدگی سریع و همراه با دقت در این جرایم و جلوگیری از انسداد پرونده‌ها در مجاری رسیدگی کیفری خواهد بود (Rustayi, 2009).

همچنین، افزایش آمار جرایم در بین اطفال و نوجوانان که نتیجه پایین آمدن سن بزهکاری است و ظهور اشکال جدیدی از جرایم، موجب ایجاد هراسی برای جوامع شده است. از همین رو، دولت‌ها با مطالعه و سیاست گذاری در این حوزه، سعی در رفع این نگرانی‌ها دارند. کودکان و نوجوانان از لحظه ورود به نظام رسمی عدالت کیفری، در مواجهه با کنشگران کیفری قرار می‌گیرند. عزت نفس در دوران کودکی شروع به شکل گیری می‌کند. در رسیدگی کیفری به جرایم کودکان و نوجوانان عدم برخورد مناسب با این قشر از بزهکاران موجبات ایجاد گرفتاری‌های بعدی جامعه می‌شود. چرا که با رفتارهای تربیتی غلط، خویشتن‌پنداری منفی در کودک شکل می‌گیرد که با افزایش سن، محور این ویژگی‌های منفی از ضمیر شخص تا حدودی غیرممکن می‌شود. به همین جهت است که سیاست تخصص‌گرایی در سایه اصولی همچون افتراقی سازی دادرسی کیفری و رعایت مصالح عالی‌ه مطرح می‌شود. تخصص‌گرایی به معنای به کارگیری کارکنانی حاذق و متبحر در نظام کیفری می‌باشد. آگاهی و تخصص این افراد در علوم مختلفی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و جرم‌شناسی، در برخورد با اطفال و نوجوانان معارض قانون مورد نیاز است. مبنای گرایش به این سیاست را می‌توان در برخی نظریات جرم‌شناختی جست‌وجو کرد. یکی از بارزترین نظریات مرتبط در این خصوص، نظریه منع برچسب زنی است که می‌تواند در سایه تخصص‌گرایی و نحوه تعاملات کنشگران با اطفال و نوجوانان معارض قانون تحلیل شود. این سیاست در اسناد بین‌المللی و نیز در قوانین داخلی کشورها، بعضاً به صورت صریح و یا ضمنی، منعکس شده است. در این راستا اسنادی همچون کنوانسیون حقوق کودک، رهنمودهای ریاض، رهنمودهای پکن، رهنمودهای وین و میثاق حقوق کودک در اسلام به مسئله آموزش و تربیت کنشگران متخصص در این حوزه اشاره دارد (Mahdavi Sabet & Abdian, 2018). بنابراین، به کارگیری سیاست تخصص‌گرایی می‌تواند از اطلاع دادرسی و برخی پیامدهای ناخوشایند دادرسی رسمی سستی بکاهد.

تسریع دادرسی با بهره‌مندی از معاضدت وکلای دادگستری

یکی از اوصاف اصلی مطلوب بودن نظام‌های دادرسی رسیدگی به دعوی در کوتاه‌ترین زمان ممکن در عین رعایت تمامی اصول و قواعد آن دادرسی و نهایتاً صدور رأی و اجرای آن بدون فوت وقت است. این سرعت باید همراه با دقت بوده و از عجله بی‌مورد که خود موجبات پیدا شدن عواقب بعضاً جبران‌ناپذیر برای طرفین و نهایتاً اجتماع می‌شود، باید پرهیز نمود. چرا که یکی از ویژگی‌های دادرسی عادلانه، تسریع در دادرسی در عین دقت است (Karkhaneh et al., 2020).

وکلای از جمله کنشگران قضایی هستند که عملکرد آنان بر تطویل یا تسریع دادرسی بسیار مؤثر است. علاوه بر اینکه حق دسترسی به وکیل یکی از تضمینات دادرسی منصفانه است که در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی بدان تصریح شده است. دسترسی به وکیل به خصوص بر حقوق متهمین در فرآیند دادرسی کیفری مؤثر بوده و اعمال هرگونه محدودیت برای متهم در دسترسی و استفاده از خدمات حقوقی وکیل موجب تضعیف حق دفاع وی و دوری از دستیابی به دادرسی عادلانه می‌گردد. چنانچه اشکالات و خلأهای موجود در قانون آیین دادرسی

کیفری ۱۳۷۸ در خصوص حق برخورداری از وکیل در مرحله قبل از دادگاه موجب شد تا در قانون آیین دادرسی کیفری به اثر امر وکالت دادگستری و ارائه خدمات حقوقی توجه بیشتری شود (Mahdavi Sabet & Abdian, 2018).

حضور وکیل در جریان دادرسی، ضمن تضمین حفظ حقوق اصحاب دعوی، می‌تواند کمک بزرگی برای قضات محسوب شود. وکلا در جهت حفظ حقوق موکلین خود، اقداماتی را در جهت گردآوری ادله و مستندات قانونی را انجام می‌دهند و نتیجه این اقدامات را به صورت لوایح و مستندات خود به دادگاه تقدیم می‌کنند و از این جهت، بخشی از وظایف قضات را بر عهده می‌گیرند و در تسریع دادرسی‌ها نقش مؤثری را ایفا می‌نمایند. اقدامات به موقع وکلا در ارائه ادله می‌تواند موجبات تسریع دادرسی را فراهم آورد، هر چند که این امکان هم وجود دارد که وکلا با آگاهی که از قوانین دارند، در مواردی، موجبات اطاله دادرسی را نیز فراهم نمایند (Rafiei Tabatabaei, 2020).

با بررسی نقش و جایگاه وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تضمینات قانونی موجود در آن برای برخورداری طرفین دادرسی کیفری به ویژه متهم از وکیل، در مقایسه با قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، مشخص می‌گردد که با توجه به اهمیت غیر قابل انکار نقش وکیل در دادرسی‌های کیفری، قانون‌گذار برای رفع خلأهای جدی موجود در قانون سابق، تدابیر و تضمینات قابل توجهی را در نظر گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها موارد زیر است:

در قانون جدید از لحظه‌ای که متهم در جرایم مشهود توسط ضابطین تحت نظر قرار می‌گیرد، می‌تواند تقاضای وکیل کند و ضابطین نیز موظفند حق داشتن وکیل و ملاقات با او را به متهم تفهیم نمایند و وکیل در پایان ملاقات با متهم می‌تواند ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

در قانون جدید متهم علاوه بر اینکه حق داشتن وکیل در مرحله دادرسی را دارد، این حق باید به او تفهیم شود و در برخی از جرایم الزاماً باید برای او وکیل تسخیری تعیین شود و چنانچه حق دسترسی به وکیل به متهم تفهیم نشود و یا مقام پژوهش برخلاف قانون مانع از حضور وکیل شود، به عنوان تخلف انتظامی مقام قضایی تلقی می‌گردد.

همچنین وکیل در مرحله دادرسی می‌تواند از نوع اتهام موکل خود و دلایل آن کسب اطلاع کند و در جریان پژوهشات مطالبی را که برای کشف حقیقت و در دفاع از متهم لازم تشخیص می‌دهد، اظهار کند.

تعیین وکیل معاضدتی برای بزه دیده (علاوه بر متهم) در مرحله صدور حکم، از نوآوری‌های قانون جدید به حساب می‌آید که در راستای حق دسترسی طرفین دادرسی به وکیل و توجه به رویکرد بزه دیده مدار نظام قضایی پیش‌بینی شده است.

امکان اخذ تصویر مدارک و اوراق پرونده برای متهم و وکیل او علاوه بر حق مطالعه، به سبب اینکه امکان دفاع مؤثرتری را برای وکیل فراهم می‌کند، از نکات مثبت این قانون است.

امکان رسیدگی دادگاه با حضور وکیل متهم و بدون حضور شخص متهم در برخی از جرایم، مشروط به آنکه دادگاه حضور شخص متهم را لازم نداند، از دیگر نوآوری‌های این قانون به حساب می‌آید؛ اما با وجود تضمینات فوق، محدودیت‌های زیر همچنان برای وکیل در این قانون باقی است:

در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آن‌ها در

صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح (دادسرا و دادگاه‌های نظامی) قرار دارد، وکلای انتخابی طرفین دعوی الزاماً باید از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشند.

اختیارات وکیل در مرحله دادرسی که مقام پژوهش دسترسی وکیل به پرونده را با کشف حقیقت منافی بداند و در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرایم منافی عفت، محدود شده و مقام پژوهش می‌تواند قرار عدم دسترسی به پرونده را نسبت به متهم وکیل او صادر کند.

دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد مربوط به پژوهشات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در مرحله دادگاه به متهم و شاکی و وکلای آن‌ها همچنان در این قانون ممنوع می‌باشد (Mahdavi Sabet & Abdian, 2018).

یکپارچگی قضایی و خودکارسازی فرآیند دادرسی

تجربه عملی کشورهای مختلف نشان‌دهنده این امر بوده که ایجاد یکپارچگی قضایی در اثر استفاده از دادرسی‌های الکترونیکی موجبات تحقق دادرسی منصفانه را فراهم کرده است. اعتماد جامعه به سلامت و ظرفیت‌های مؤثر دستگاه قضایی در مبارزه و برخورد با فساد، زمانی حاصل می‌شود که در اداره جامعه اصل حاکمیت قانون حاکم باشد. قضات به عنوان بازوی اصلی اجرای قانون در تحقق عدالت نقش مهمی داشته و استفاده آنان از ظرفیت‌های دادرسی الکترونیکی مبتنی بر تجهیزات الکترونیکی که جهان بزرگ را نزد کتربران کوک و یکپارچه کرده، موجب افزایش دقت قضایی می‌شود (United Nations Office on Drug Crime, 2010).

قضات با استفاده از تجهیزات و سامانه‌های الکترونیکی علاوه بر اینکه می‌توانند به احکام صادره از کلیه دادگاه‌ها در موضوع تحت رسیدگی شان دست یابند، با درج اسناد قضایی پرونده‌ها به صورت ماشینی در فضای مجازی به جای اسناد کاغذی با استفاده از انشان، کاهش اشتباهات فردی یا خطاهای عمدی را امکان پذیر نموده و از تجدید جلسه جلوگیری می‌نماید. همچنین در این حالت، می‌توان بر اقدامات قضات و کارکنان شعب نظارت لحظه‌ای داشت و آمار عملکرد لحظه به لحظه شعب نیز تحت کنترل قرار می‌گیرد (Afsharniya & Mobin, 2009). استفاده از ابلاغ الکترونیک و الکترونیکی کردن دادرسی از جمله سایر اقدامات قوه قضائیه در راستای دستیابی به افزایش کیفیت دادرسی، افزایش سرعت آن، ارتقای توان نظارت قضایی، افزایش سرعت پاسخگویی به مراجعین، کنترل لحظه به لحظه پرونده است. «سِمپ» یا همان سامانه مدیریت پرونده قضایی، بنابر اعلام مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه نقش بسیار به سزایی در کاهش اطاله دادرسی داشته است. اگرچه بر اثر مشکلاتی که در زیرساخت‌های مخابراتی، سخت افزاری و نرم افزاری رخ می‌دهند، سرعت رسیدگی پرونده‌های قضایی با استفاده از این سامانه کاهش می‌یابد لکن تلاش‌های شبانه روزی برای این مشکلات و به روزرسانی به موقه سامانه‌ها از اطاله دادرسی می‌کاهد.

حقوقدانان دادگاه الکترونیک را دادگاهی تعریف کرده‌اند که در آن حتی یک کاغذ نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و در نظام مدیریت آن پرونده‌ها به شکل خودکار مورد بررسی قرار گرفته و پس از انجام هر مرحله، پرونده به کارمند دیگر ارجاع داده می‌شود. در نتیجه وضعیت موجود پرونده به راحتی قابل پیگیری بوده و به جای آنکه هر فرد برای دنبال کردن یک جریان قضایی ده‌ها بار به مراکز مشخص شده مراجعه کند، با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی مراحل لازم برای پیشبرد وضعیت پرونده خود را پیگیری می‌کند (Ghanbarpoor & Ghorbani, 2022).

بر این اساس با مشاهده آخرین تغییرات در اطلاعات پرونده، امکان پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات اداری افزایش می‌یابد. دستیابی روزآمد به آمار و اطلاعات کیفری یکی از اهدافی است که قانونگذار در ماده ۶۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری بر آن تاکید شده: «به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضائی و ارائه بهتر خدمات قضائی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضائی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضائی، مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه در مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضائیه با استفاده از افراد موثق راه‌اندازی می‌شود». یکی از جلوه‌های دادگستری

نوین و کارآمد، دسترسی سریع و بهنگام به دادگستری است. اصل دسترسی سریع که از جمله اصول راهبردی حاکم بر عدالت آیینی تلقی می‌شود، در پی تسریع اجرای عدالت بوده و در بردارنده اصل استانداردسازی زمان دادرسی براساس فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات می‌باشد.

یکی از اقدامات به روزی که قوه قضائیه برای تحقق عدالت در بستر استفاده از سامانه‌های الکترونیک شروع کرده، ثبت اسامی گواهان و مطلعین به همراه شماره پرونده استنادی و شناسایی این افراد از طریق سامانه ثنا است. این اقدام در راستای مقابله با شهادت کذب انجام شد. بر این اساس قضات از سابقه شهادت شهود مطلع شده و احراز صداقت شهود یا کذب گفتار آنان و در نتیجه احراز شهادت شرعی از غیر آن برای قضات راحتتر می‌گردد.

منفعت دیگر استفاده از سامانه‌های الکترونیکی در راستای یکپارچگی مدیریت قضایی، ذخیره کلیه اطلاعات سجل کیفری افراد و دسترسی راحت دادگاه‌ها در مواقع لزوم بدین اطلاعات است. همچنین با ایجاد بانک اطلاعاتی تحت سامانه‌های الکترونیکی از تکرار طرح دعاوی یکسان کاهش یافته و با اتصال شبکه‌های الکترونیکی قوه قضائیه با سایر دستگاه‌های اجرایی استعلامات لازم سریعتر حاصل می‌شود.

اقدام دیگری که قوه قضائیه در راستای حل مشکلات ناشی از تورم تقنینی کیفری و اثر آن بر دادرسی‌های انجام داده است، گردآوری تمامی قوانین و مقررات مربوط به یک موضوع و عناوین مجرمانه در قالب حافظه رایانه‌ای است. قضات به راحتی می‌توانند احکام مورد نیاز خود را با استفاده از این ابزار جستجو نموده و زمان بسیار زیادی از مدت رسیدگی به دعاوی کیفری و به خصوص انشای آراء کاسته می‌شود (Zadehhossein Oliaei, 2017).

نهایتاً برگزاری جلسات دادرسی به صورت الکترونیکی اقدام دیگر قوه قضائیه در جهت افزایش بهره‌وری کار قضات و ارتقای فرآیند دادرسی است. هرچند به نظر می‌رسد با توجه به شرایط کنونی زیرساختی و سخت افزاری، با وجود اینکه تشکیل جلسات دادرسی از طریق الکترونیکی می‌تواند مزایای فراوانی به همراه داشته باشد اما در مواردی تشکیل جلسه با حضور فیزیکی افراد موجب شده تا حالات روحی و روانی از طریق درک حالات چهره آن‌ها از نزدیک محتملتر شده که بر تشخیص و علم قاضی اثر بگذارد (Khaliuyi Tafti & Agha-Abbasi, 2021). البته تشکیل جلسات دادرسی به صورت الکترونیک نیازمند توسعه و فرهنگ‌سازی بیشتر نیز می‌باشد.

همچنین اصل ۷ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به اصل دسترسی سریع اشاره دارند. این اصل، در بردارنده اصل استانداردسازی زمان دادرسی براساس فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات می‌باشد. در کشورهای توسعه یافته که حق دسترسی متهم به وکیل در راستای دستیابی به حق بنیادین بشری دسترسی به دادرسی عادلانه در صدر خطوط قرمز دستگاه قضایی قرار دارد، علاوه بر سازمان‌ها و ضابطین قضایی، وکلا نیز با استفاده از ظرفیت‌های دادرسی الکترونیکی در کسر کوتاهی از زمان به پرونده‌ها دسترسی داشته و مدارک مورد نیاز برای دفاع از موکلینشان را در اختیار می‌گیرند. بر این اساس مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه در مرکز آمار و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضائیه موظف شده تا با ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضائیه دسترسی روزآمد به اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرایم، متهمان، بزه‌دیدگان، مجرمان و سایر اطلاعات قضایی را با به کارگیری افراد موثق راه‌اندازی نماید (Riyazi, 2019).

رسیدگی با کیفرخواست شفاهی

از جمله سایر اقداماتی که قانون گذار برای حل مشکل اطاله دادرسی کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و طی ماده ۸۶ پیش‌بینی نموده، حذف پاره‌ای تشریفات البته در صورت جمع بودن شرایطی و عدم وجود مانع در صدور کیفرخواست شفاهی بریا طیف وسیعی از جرایم است. لکن در خصوص جرایم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون استفاده از کیفرخواست شفاهی پذیرفته نیست (Kazemi & Chegini, 2023).

کیفرخواست شفاهی یکی از گونه‌های رسیدگی اختصاری در نظام‌های دادرسی کیفری است که افزون بر گونه نوشتاری آن مطرح شده و با بایسته‌های خود در فرایند کیفری، نمونه‌ای از مدیریت گرایی این نظام‌ها در چهره دگردیسی عملیاتی در راهبردهای متعارف به شمار می‌آید (Pourgharamani & Keranian, 2023).

استفاده از این نهاد می‌تواند در کاهش اطاله دادرسی تأثیر به‌سزایی داشته باشد لکن رویه موجود در دادرها نشان‌دهنده این امر است که مقام قضایی در این مرجع برای پیشگیری از بروز تبعات منفی، از این نهاد کمتر استفاده می‌نماید. همچنین حجم بالای پرونده‌های مطروحه نزد محاکم دادگستری نیز علت دیگری است که قضات دادگاه‌ها نیز تمایل چندانی به استماع و رسیدگی به پرونده‌ها بدون تعیین وقت قبلی و به صورت فوق‌العاده که موضوع کیفرخواست شفاهی هستند، داشته باشند.

با این حال در استعلامی که از اداره کل حقوقی قوه قضائیه در خصوص «نظر به اینکه دعوای شفاهی اصطلاحاً کیفرخواست شفاهی یکی از نهادهای نوین ایجاد شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ و دارای محاسن متعدد از جمله تسریع در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی می‌باشد با توجه به فلسفه وضع این نهاد و لحاظ قسمت اخیر ماده ۸۶ قانون مذکور که اخذ تأمین را به عهده دادگاه قرار داده خواهشمند است در دو فرض زیر نظر ارشادی آن مرجع را اعلام فرمائید: ۱- چنانچه قبل از ارجاع پرونده به شعب تحقیق دادستان شخصا تحقیقات را بر اساس ادله موجود در پرونده کامل بدانند آیا نیازی به تفهیم اتهام و اخذ دفاع متهم می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ با توجه به اینکه اصولاً صدور قرار جلب به دادرسی احراز برهکاری متهم از سوی مقام تحقیق بازپرس و اعلام آن به مقام تعقیب می‌باشد نیازی به صدور قرار جلب به دادرسی می‌باشد یا خیر؟ ۲- در صورت ارجاع پرونده به شعب تحقیق بازپرسی دادرسی اعلام تکمیل تحقیقات بایستی در قالب صدر قرار جلب به دادرسی باشد یا صرف اعلام آن کفایت می‌کند»، به عمل آمده در نظریه شماره ۶۹۴/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۷ چنین اعلام شده است: «اولاً: منظور از عبارت تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد مذکور در ماده ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، انجام مجموعه اقدامات موضوع ماده ۹۰ این قانون است که باید از سوی بازپرس یا سایر مقامات قضایی دادرسی صورت پذیرد و لکن در خصوص صدور قرار تأمین کیفری با توجه به استثناء آن به شرح مذکور در قسمت اخیر ماده ۸۶ قانون فوق‌الذکر ضرورتی به صدور آن برای متهم در دادرسی وجود ندارد. در مورد صدور قرار جلب به دادرسی، پرونده در صورتی قابل طرح در دادگاه کیفری صالح است که دادستان و مقام تحقیق بر احراز برهکاری متهم، توافق داشته باشند و احراز این امر با صدور قرار جلب به دادرسی از سوی مقام تحقیق و موافقت دادستان با آن امکان پذیر است که متعاقباً دادستان می‌تواند رأساً یا با درخواست مقام تحقیق پرونده‌ای را بدون صدور کیفرخواست و با ادعای شفاهی مطابق بند ب ماده ۳۳۵ قانون مارالذکر در دادگاه کیفری مطرح نماید. ثانیاً: قرار جلب به دادرسی موضوع ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اظهار عقیده بازپرس خطاب به دادستان نسبت به موضوع مرجوع الیه است که در صورت موافقت دادستان، پرونده منتهی به صدور کیفرخواست می‌شود ملاک شروع به رسیدگی دادگاههای کیفری نیز در این مورد برابر بند ۱ ماده ۳۳۵ قانون

مردوم صرفا کيفرخواست دادسرا است. بنابراین در فرضی که دادستان رأسا در حدود قانون به پرونده رسیدگی کرده است و عقیده به مجرمیت متهم دارد، اظهار این عقیده ضمن صدور کيفرخواست برای رسیدگی دادگاه کيفری کفایت می کند».

صدور دستورالعمل های اجرایی مؤثر بر کاهش اطلاع دادرسى

یکی از اقدامات مهم قوه قضائیه که مبین اهتمام مسئولان قضایی برای حل مشکل اطلاع دادرسى است، تدوین چهار دستورالعمل از سوی ریاست محترم قوه قضائیه در زمینه کاهش اطلاع دادرسى است. این دستورالعمل ها که در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۸ از سوی ریاست محترم قوه قضائیه تصویب و جهت اجرا ابلاغ گردیدند، دربردارنده نکات بسیار مهمی در جهت کاهش اطلاع دادرسى می باشند. در این بخش به پاره ای از مفاد این دستورالعمل ها که نقش مؤثری در کاهش اطلاع دادرسى دارند، اشاره می نمایم.

یکی از مواردی که در دستورالعمل های کاهش اطلاع دادرسى مورد توجه قرار گرفته است، تشکیل کمیته های اجرایی رفع اطلاع دادرسى در هر حوزه قضایی و در دو سطح استانی و شهرستانی است. کمیته استانی در هر استان به ریاست رئیس کل دادگستری استان و عضویت مقامات ذیل تشکیل می گردد: دادستان مرکز استان، رئیس کل دادگاه های عمومی و انقلاب مرکز استان، یکی از معاونین رئیس کل دادگستری، معاون آموزش و پژوهشات دادگستری استان، معاون اداری و مالی دادگستری استان، مسئول واحد ارزشیابی دادگستری استان.

همچنین کمیته شهرستانی در هر حوزه قضایی شهرستان و بخش، حتی شهرستان مرکز استان، به ریاست رئیس حوزه قضایی مربوطه و عضویت دادستان شهرستان، یکی از معاونین رئیس حوزه قضایی، مسئول اداری و مالی دادگستری شهرستان یا یکی از کارمندان مطلع، تشکیل می گردد. بر اساس بند ۷ دستورالعمل شماره یک، کمیته های اجرایی رفع اطلاع دادرسى استانی و شهرستانی، در همه حوزه های قضایی موظف هستند تا شروع سیر نزولی پرونده های مانده و کوتاه شدن فرآیند دادرسى، هفته ای سه جلسه و بعد از آن حداقل هفته ای یک جلسه، خارج از وقت اداری تشکیل و روند اجرایی رفع اطلاع دادرسى را بررسی و مطالعه نموده و پس از استماع گزارشات، تصمیمات لازم را اتخاذ و در جلسات بعدی نتایج اجرایی آن را بررسی نمایند. به طور کلی کمیته ها مسئول اجرای دستورالعمل های سراسری و نیز اتخاذ تصمیم و اجرایی نمودن برنامه های منطقه ای (استانی و شهرستانی) بر اساس وضعیت خاص هر حوزه قضایی می باشند. کمیته های اجرایی کاهش اطلاع دادرسى مکلف هستند، وضعیت اطلاع دادرسى را در حوزه قضایی مربوطه بررسی نمایند و تصمیمات لازم را جهت کاهش اطلاع دادرسى اتخاذ نمایند و گزارش فعالیت های خود و نتایج آن را به کمیته استانی ارسال نمایند. بدیهی است، تشکیل چنین کمیته هایی در هر حوزه قضایی که با توجه به شرایط آن حوزه قضایی تصمیم گیری می نمایند، می تواند نقش مؤثری در کاهش اطلاع دادرسى داشته باشد.

اقدام دیگری که از سوی قوه قضائیه به موجب دستورالعمل اجرایی شماره ۲ کاهش اطلاع دادرسى انجام پذیرفت، بازشماری پرونده ها و تعیین آمار دقیق از پرونده ها بود. در حقیقت انجام اقدامات لازم در زمینه کاهش اطلاع دادرسى بدون آگاهی از وضعیت موجود امکان پذیر نیست، لذا قوه قضائیه به موجب دستورالعمل شماره ۲ نکات ذیل را متذکر شد:

توسط کمیته های شهرستان و با نظارت کمیته اجرایی استان، طرح بازشماری دقیق پرونده ها و لیست برداری از آن ها و اصلاح دفاتر هر یک از شعب دادگاه ها، اعم از عمومی و انقلاب و تجدیدنظر و شعب دادیاری و بازپرسی و اجرای احکام به نحوی اجرا شود که در پایان بهمن ماه اولاً هیچ پرونده ثبت نشده ای وجود نداشته باشد. ثانیاً، اشکالات آماری دفاتر شعب و عدم تطابق آن با واقعیت موجود، مشخص و اصلاح شود. ثالثاً، اگر پرونده مفقود شده ای وجود دارد، بدل آن تهیه و تعیین تکلیف شود. رابعاً، اگر پرونده بلا تکلیفی مشاهده شد مقید به وقت رسیدگی یا نظارت گردد.

صورت جلسه بازشماری پرونده‌ها با قید دقیق تعداد و شماره پرونده‌های موجود تا پایان بهمن ماه توسط اعضا تهیه و امضا گردیده و توسط رییس و در صورت نداشتن رییس، حسب مورد توسط دادرسی علی البدل یا مستشار دادگاه تجدیدنظر و در دادرسی توسط دادیار یا بازپرس هر شعبه و در اجرای احکام توسط قاضی اجرای احکام گواهی و مهیور به مهر شعبه می‌گردد. صورتجلسه بازشماری پرونده‌های هر شعبه در پایان به امضای رییس حوزه قضایی مربوطه رسیده و در دفتر شعبه ثبت و ملاک وضعیت آمار و اصلاح دفتر شعبه از این به بعد قرار می‌گیرد. نسخه دوم صورت جلسه بازشماری برای دبیر کمیته اجرایی شهرستان ارسال و نامبرده ضمن قرائت آن در جلسه کمیته، گزارش نتایج حاصله از بازشماری و تفاوت ایجاد شده با آمار گذشته و علل آن را طی گزارشی برای دبیر کمیته اجرایی استان ارسال می‌نماید (Afsharniya & Mobin, 2009).

همچنین یکی از مهمترین عامل اطلاع دادرسی عوامل انسانی است. لذا قوه قضائیه در راستای نظارت هرچه بیشتر بر نیروی انسانی و جلوگیری از برخی تخلفات و کم کاری‌ها، در بخشنامه‌های صادره جهت کاهش اطلاع دادرسی نکات ذیل را متذکر شد:

انجام دقیق حضور و غیاب کارکنان اداری و قضایی به هر وسیله‌ای که ممکن باشد، اعم از استفاده از دستگاه ساعت زن، امضای دفتر و اعزام مأمورین کنترل مخفی و علنی و هر طریق دیگری که مدیریت مناسب بداند. «آنچه اهمیت دارد، نتیجه است؛ یعنی به هر شکل، همه کارکنان اداری و قضایی قبل از ساعت اداری در محل کار حضور داشته و بعد از ساعت اداری محل کار را ترک نمایند و تأخیر در ورود و تعجیل در خروج متوقف گردد و سیستم کنترلی مناسبی برای نظارت مستمر در نظر گرفته شده و تأثیر عملکرد این سیستم به صورت هفتگی چک شود». در ادامه اجرای این دستورالعمل، لازم است اولاً، با ترک محل خدمت بدون هماهنگی و بدون اخذ مرخصی، مقابله شده و هرگونه ترک محل کار حتی کوتاه مدت با درخواست مرخصی و موافقت مقام مافوق و رعایت کلیه ضوابط و مقررات و تشریفات قانونی بوده و در این مدت با تعیین جایگزین از رکود کاری جلوگیری شود. آمدن رؤسای واحدهای قضایی و سایر کارکنان قضایی و اداری به سایر واحدها و یا از شهرستان‌ها به مرکز استان یا از استان به تهران باید قبلاً با مقام مافوق هماهنگ و در صورت احراز ضرورت با صدور حکم مأموریت به عمل آید و حتی المقدور باید تلاش شود، امور اداری و شخصی بدون مراجعه حضوری و از طریق تلفن، دورنگار و یا بهبود سیستم، حل و فصل گردد.

موافقت با مرخصی کارکنان اداری و قضایی با دقت و توجه مدیریتی باید همراه باشد و حتی المقدور باید در حداقل ممکن باشد و باعث تعطیلی یا افت محسوس امور رسیدگی قضایی نگردد و حتماً با مأموریت جایگزین در مدت مرخصی جبران گردد. جلوگیری از ورود مردم و مراجعین به واحدهای قضایی سراسر کشور از شروع ساعت اداری و یا خارج نمودن آنان قبل از پایان وقت اداری به دلیل عدم حضور کارکنان و یا هر دلیل دیگر ممنوع است و باید مورد مراقبت قرار گیرد و همچنین کلیه جلسات داخلی و خارجی که مستلزم حضور قضات و کارکنان اداری می‌باشد، به خارج از وقت اداری موکول و در صورت استثنا و ضرورت، با اتخاذ تدابیر مناسب از لطمه وارد آمدن به روند دادرسی جلوگیری به عمل آید.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند منجر به بروز اطلاع دادرسی در محاکم گردد، نحوه تعیین وقت است. استفاده حداکثری از ساعات اداری ایجاب می‌نماید تا اوقات رسیدگی از ابتدای ساعات رسیدگی تعیین شود و فاصله بین اوقات به نحوی تعیین شود تا از یک سو وقت برای رسیدگی در جلسه محاکمه کم نباشد و از سوی دیگر، این فاصله به اندازه‌ای زیاد نباشد که موجب تلف شدن اوقات دادگاه گردد. برخی نکاتی که در دستورالعمل شماره ۴ در این زمینه مقرر گردیده است، عبارتند از:

اولین وقت رسیدگی برای محاکم بدوی عمومی و انقلاب و تجدیدنظر و شعب دایاری و بازپرسی برای ساعت ۸ صبح هر روز تعیین گردد، تا از بهترین زمان اداری حداکثر استفاده در جهت تشکیل جلسات دادرسی به عمل آید.

فاصله بین دو جلسه دادگاه در پرونده‌های سبک ۱۵ دقیقه و در پرونده‌های متوسط ۳۰ دقیقه و در پرونده‌های مهم و یا دارای طرفین متعدد که نیازمند مدت زمان بیشتر است، بیش از یک ساعت تعیین می‌گردد؛ بنابراین، روسای دادگستری‌ها و دادرها با ملاحظه پرونده‌های هر شعبه بر فاصله بین جلسات و تعداد پرونده‌های تعیین وقت شده نظارت دقیق و مستمر نمایند.

تعداد پرونده‌های تعیین وقت شده در هر شعبه بر اساس تعداد قضات موجود در شعبه تعیین خواهد شد؛ بنابراین، تعیین اوقات در صورت وجود یک رییس و یک دادرس ثابت دو برابر خواهد بود.

پرونده‌های وقت نظارت و احتیاطی حتی المقدور در ساعات آخر وقت اداری تعیین شود.

افزایش اوقات دادرسی به ویژه تعیین وقت دادرسی در ساعت ۸ مستلزم اضافه نمودن پرونده‌های جدیدالرجاع در دفتر تعیین اوقات در فواصل تعیین شده فعلی و نیز ابطال اوقات طولانی چند ماه آینده و تعیین وقت رسیدگی جدید در فواصل نزدیکتر می‌باشد و لازم است، اوقات جدید به طرفین پرونده‌ها ابلاغ گردد (Afsharniya & Mobin, 2009).

اقدام دیگر در این راستا، جلوگیری از بلا تکلیف ماندن پرونده‌ها می‌باشد. چرا که نظارت بر تعیین تکلیف هر پرونده و جلوگیری از بلا تکلیف ماندن پرونده‌ها نیز در کاهش اطلاع دادرسی نقش ویژه‌ای دارد. بند ۵ دستورالعمل شماره ۴ در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «تمام پرونده‌های موجود در شعب بدون استثناء باید مقید به وقت رسیدگی یا وقت نظارت باشند و به هیچ عنوان نباید پرونده‌ای بلا تکلیف در شعب نگهداری شود».

صدور دستورالعمل آزمایشی زمان استاندارد رسیدگی، اقدامی حائز اهمیت از ناحیه قوه قضائیه در جهت کاهش اطلاع دادرسی است. بر اساس بند ۱ این دستورالعمل، «منظور از استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، تعیین سقف زمانی مناسب با رعایت ضوابط و مقررات در رسیدگی به پرونده‌های حقوقی و جزایی با توجه به اهداف مذکور در این دستورالعمل می‌باشد». بر اساس این دستورالعمل برای هر یک از پرونده‌های حقوقی، خانواده و کیفری و همچنین اقدامات و دستورات دفتری، زمانی مشخص شده است و محاکم مکلف شده اند تا اقدامات خود را بر اساس این جداول انجام دهند. بدیهی است، در صورتی که محاکم بتوانند رسیدگی خود را در چهارچوب برنامه زمان بندی انجام شده و جداول پیوست این بخشنامه، به انجام برسانند، اطلاع دادرسی در محاکم تا حدود زیادی از بین خواهد رفت. حتی اگر این اقدام در کوتاه مدت هم میسر نگردد، از آنجایی که براساس این دستورالعمل مدیران دفاتر محاکم مکلف شده اند، گزارش اجرای این دستورالعمل و علل عدم اجرای آن را بر اساس فرم‌هایی که ضمیمه این دستورالعمل است، هر ماهه به رؤسای حوزه قضایی اعلام نمایند و روسای حوزه قضایی هم بایستی اقدامات لازم را برای اتخاذ تدابیر لازم جهت تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف پرونده‌های معوقه، به انجام رسانند، در نتیجه این امر مسلماً در کاهش اطلاع دادرسی تأثیرات بسیار مهمی خواهد داشت!

نتیجه‌گیری

تحلیل‌های استراتژی‌های کاربردی و اجرایی و مطالعه تصمیمات ارگان‌هایی متفاوت قوه مجریه در خصوص پژوهشات مقدماتی همدوش قوه قضاییه امری ضروری و اصلی است از اینرو، قوه قضاییه جز با تعامل با قوه مجریه نمی‌تواند در امر پژوهشات مقدماتی موفق باشد. چرا که

^۱ دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، شماره ۱/۸۷/۸۴۳۳ - ۱/۸۷/۱۰/۱، ریاست قوه قضاییه.

یکی از عوامل مؤثر در عملکرد ضابطان که موجب اطاله دادرسی و نهایتاً ضرر مردم در دستیابی به عدالت با تظلم‌خواهی آنان از تعدی قانون‌شکنان می‌شود، ضعف عملکرد ضابطان در کشف جرم است که خود باعث افزایش ارتکاب جرایم شده و نهایتاً با افزایش امار پرونده‌ها سبب اطاله دادرسی می‌گردد. بر این اساس آموزش و نظارت مستمر بر ضابطان دادگستری و آگاهی‌بخشی به آن‌ها در جهت استفاده از ابزارهای الکترونیکی در اجرای وظایف محوله به ایشان نقش به‌سزایی در مدیریت قضایی و کاهش اطاله دادرسی دارد.

نکته دیگر در مدیریت قضایی به جهت کاهش اطاله دادرسی بحث تخصصی شدن محاکم دادگستری است. با توجه به بدانکه سرعت پیشرفت تکنولوژی و صنعت بسیار افزایش یافته و جرایم به اشکال متنوع‌تر و با ماهیتی پیچیده‌تر ارتکاب پیدا می‌کنند، همچنین ضرورت برخورد افتراقی با اقشار مختلف بزهکاران برای دستیابی به اهداف حقوق جزا از جمله حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه، پیشگیری از ارتکاب جرایم، اصلاح مجرمین، این امر را در مدیریت قضایی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

به علاوه وکلای دادگستری و در دسترس بودن بهره‌مندی از خدمات وکلای دادگستری برای آحاد اشخاص جامعه و به طور خاص برای اقشار ضعیف با استفاده از خدمات وکلای معاضدتی و تسخیری در تنظیم و ارائه صحیح و اصولی دعاوی و شکایات، از اطاله دادرسی ناشی از ضعف یا نقص تشکیل و پیگیری پرونده‌های کیفری توسط افراد فاقد تخصص حقوقی کاسته و همچنین موجب همسویی بیشتر در راستای الگوهای حقوق بشری است.

ضرورت استفاده از ابزارهای الکترونیکی در دادرسی‌ها (کیفری، مدنی، اداری و...) برای جلوگیری از اتلاف وقت، انرژی و هزینه‌های غیر ضروری و نیز فوریت احقاق حق، کمک بزرگی در جهت تحقق دادرسی عادلانه است. مقنن ایران نیز همگام با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات با تصویب آیین دادرسی الکترونیکی گامی مهم در گسترش دادگستری الکترونیک برداشت اما اجرای این امر در حال حاضر با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است. در این باره باید در نظر داشت که پیشرفت و فناوری به عنوان یکی از موضوعاتی که در جامعه بشری همواره در حال تداوم و گسترش است؛ دارای آثاری است که در سطوح مختلف از جمله آموزش، تجارت، صنعت و... دیده می‌شود. نظام عدالت کیفری و روند دادرسی نیز به عنوان یک نهاد ایجاد شده توسط انسان، از این پیشرفت و فناوری بی‌تأثیر نبوده و بر مبنای نیازهای روز، تغییراتی یافته که به بهبود آن کمک نموده است. موضوع این تغییرات، توسعه عدالت است یا حداقل سعی شده تا روند حرکتی آن به این سمت باشد. ورود فناوری و مجازی شدن دادرسی، یکی از مظاهر این تغییرات است که در آن با کاستن از زمان رسیدگی (عدم تطویل دادرسی) و کم کردن هزینه‌ها و... در پی نیل به اهداف مطلوب خود بوده است. در ارتباط با مبنای بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در رسیدگی‌های کیفری توجه به رفع مشکل اطاله دادرسی و پدیدار شدن جرایم رایانه‌ای و سایبری از جمله مهمترین مبنای بهره‌مندی از فناوری در این راستا بوده است در واقع یکی از متغیرهای با اهمیت در ارزیابی کیفی نظام عدالت، مقوله سرعت در ساختار نظام و جریان دادرسی است. تسریع در دادرسی و استفاده از فناوری در ابلاغ، تبادل لوایح و... موجب چابک‌سازی، پویایی و ایجاد فضای اعتماد و بازدهی می‌شود. در این راستا، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات موجب بهبود مدیریت قضایی می‌گردد. دولت الکترونیک قضایی که همان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات در دستگاه قضایی است نقش راهبردی در تحقق عدالت قضایی داشته و موجب تأمین و تضمین حقوق شهروندان و کارآمدی و اثربخشی دستگاه قضایی می‌شود.

نهایتاً اینکه کاهش اطاله دادرسی در سیاست جنایی ایران با استفاده از مدیریت قضایی نیازمند صدور مقررات دیگری علاوه بر قوانین آیین دادرسی و آیین‌نامه‌های اجرایی است که با نیازسنجی در بدنه قوه قضائیه و صدور دستورالعمل‌های یکپارچه و هماهنگ کشوری و استانی با همراهی و هماهنگی ستادهای اجرایی قوه قضائیه صورت می‌پذیرد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The phenomenon of trial delays, known as “otaleh dadresi” in the Iranian judicial context, has long been a structural and operational challenge within the Judiciary of the Islamic Republic of Iran. Prolonged adjudication not only erodes public trust and satisfaction with judicial and law enforcement institutions but also undermines the deterrent effect of criminal punishment when the temporal gap between offense and sentencing widens excessively. This gap diminishes both the immediacy and certainty of sanctions, thereby emboldening potential offenders and contributing to rising crime rates and a backlog of unresolved cases. The necessity to identify effective measures to reduce trial delays is therefore paramount for achieving a fair and equitable criminal justice process. Various studies have emphasized the pivotal role of judicial management in addressing this issue, particularly when integrated with the deployment of electronic governance mechanisms, specialized courts, streamlined trial procedures, and the professionalization of judicial actors (Riyazi, 2019; Yari Nik & Shabannia Mansour, 2020). The expansion of electronic judicial systems has proven to be a decisive factor, enhancing transparency, enabling continuous public oversight, and facilitating the realization of judicial justice under the rule of law.

Central to reducing trial delays is the improved interaction of judicial officers—specifically the “zabetan dadgostari” or judicial officers—with other branches of government and their capacity to leverage advanced technological tools. In the Iranian criminal procedure, preliminary investigations are critical for identifying suspects, preserving evidence, and preparing cases for trial. These investigations are conducted predominantly by judicial officers under prosecutorial oversight and require effective inter-agency collaboration across the Judiciary, Legislature, and Executive. The successful execution of preliminary investigations hinges on both procedural compliance and the integration of technological tools such as national databases, case management systems, and secure communication platforms (Moghimi & Mirshekari, 2022; Rajabi Tajamir & Razavi, 2016). Deficiencies in investigative performance, particularly in crime detection, have been shown to exacerbate trial delays and contribute to increasing caseloads (Gisuyi, 2020). Modern judicial management must therefore focus on continuous training of judicial officers, rigorous supervision, and the adoption of data-driven crime prevention strategies utilizing data mining and analytics (Karkhaneh et al., 2020). Specialization within the judiciary is another structural reform aimed at expediting the adjudicative process. Specialized courts—whether for economic crimes, juvenile offenses, or other complex case

types—enable judges and prosecutors to develop targeted expertise, leading to more efficient and accurate adjudication. In cases involving economic crimes, where financial instruments, corporate structures, and regulatory violations require nuanced legal and technical understanding, assigning matters to specialized tribunals can substantially reduce procedural delays (Rustayi, 2009; Towfigh & Tahmak, 2020). Similarly, juvenile courts, operating under principles of differentiated treatment and prioritizing the best interests of the child, mitigate the risks of stigmatization as articulated in labeling theory and reflected in international standards such as the UN Convention on the Rights of the Child (Mahdavi Sabet & Abdian, 2018). By aligning adjudication with specialized knowledge, the Judiciary can avoid procedural bottlenecks that arise when generalist courts are tasked with highly technical matters.

The role of defense counsel is equally significant in judicial efficiency. Access to legal representation is a cornerstone of fair trial rights and is enshrined in both domestic and international legal frameworks. In Iran’s 2013 Criminal Procedure Code, reforms expanded the right to counsel from the earliest stages of investigation, mandating that suspects be informed of their right to an attorney and, in some cases, ensuring the appointment of court-provided counsel (Mahdavi Sabet & Abdian, 2018). The presence of competent legal counsel can expedite proceedings by ensuring that pleadings, evidence, and procedural motions are presented effectively and in compliance with legal requirements. While attorneys may, in rare cases, exploit procedural mechanisms to prolong litigation, their overall contribution to case preparation and judicial decision-making tends to accelerate resolution (Rafiei Tabatabaei, 2020). Moreover, extending legal aid and pro bono representation to economically disadvantaged defendants and victims aligns the judicial process with human rights principles while alleviating systemic backlogs caused by improperly prepared cases.

Judicial integration and process automation represent another transformative avenue for reducing trial delays. The adoption of e-court systems, electronic notifications, and digital evidence management has been linked internationally to improved judicial transparency and efficiency (United Nations Office on Drug Crime, 2010). In Iran, platforms such as “Sana” and “Samp” have been implemented to manage cases electronically, reducing reliance on paper files and enabling real-time monitoring of case progress (Afsharniya & Mobin, 2009; Ghanbarpoor & Ghorbani, 2022). Such systems facilitate the tracking of witness testimony, prevent redundant filings, and support the rapid retrieval of criminal records (Zadehhossein Oliaei, 2017). Although infrastructural and cultural barriers persist, including technological literacy gaps and resistance to change, the strategic integration of electronic case management with inter-agency databases could substantially curtail procedural delays and enhance judicial oversight (Riyazi, 2019).

In addition to structural reforms, procedural innovations such as the use of oral indictments for certain categories of offenses have been proposed to expedite trials (Kazemi & Chegini, 2023; Pourghahramani & Kermanian, 2023). While oral indictments can reduce formalities and accelerate case referrals, practical adoption has been limited due to judicial caution and the high volume of cases. Complementary to such reforms are administrative directives aimed at optimizing court schedules, standardizing hearing durations, and ensuring timely case registration. The Judiciary’s issuance of binding procedural instructions, including the establishment of local and provincial committees dedicated to trial delay reduction, reflects an institutional commitment to addressing inefficiencies (Afsharniya & Mobin, 2009). Measures such as comprehensive case audits, strict attendance enforcement for judicial staff, and optimized hearing schedules are designed to maximize the use of court hours, prevent case stagnation, and ensure consistent case progression.

Ultimately, the reduction of trial delays in Iran's criminal justice system requires a multifaceted judicial management strategy that combines legal, technological, procedural, and human resource reforms. Legislative support, inter-agency cooperation, investment in technological infrastructure, and the cultivation of specialized expertise are essential components. By addressing weaknesses in preliminary investigations, enhancing inter-branch collaboration, expanding the use of e-justice platforms, and standardizing procedural timelines, the Judiciary can move toward a more efficient, transparent, and fair adjudicative process. This integrated approach not only promises to alleviate current backlogs but also to reinforce the legitimacy of the criminal justice system and strengthen public confidence in the rule of law.

References

- Afsharniya, T., & Mobin, H. (2009). *Procedure Prolong and Judicial Development*. Khorsandi Publication.
- Bahreman, H., Ahmadzadeh, R., & Rostami, S. (2017). Analyzing the associational Institutions in Drug Crimes. *KARAGAH Scientific Journal*, 11(39).
- Ghanbarpoor, B., & Ghorbani, O. (2022). Investigating the Impact of Creating Electronic Notification and Registration in the Process of Judicial Proceeding. *Quarterly Journal of Jurisprudence and Criminal Law Doctrines*, 1(4).
- Gisuyi, A. (2020). The Role of Judicial Officers in Preventing the Delay of Proceedings by Looking at Military Courts. *Bimonthly Journal of Dadrasi*, 23(138).
- Karkhaneh, R., Ruhani Moghaddam, M., & Abou Ata, M. (2020). The Role of a Lawyer in Preventing the Delay of Proceedings in Iranian Law and International Documents. *Quarterly Journal of International Legal Research*, 13(47).
- Kazemi, S. S., & Chegini, H. (2023). Institutional Oral Indictment in Order to Reduce the Length of Criminal Proceedings. *Colmination of Law Quarterly*, 9(1).
- Khaliiyui Tafti, S. S., & Agha-Abbasi, R. (2021). The Importance and Role of Electronic Proceedings in Judicial Proceedings. *Quarterly Journal of Islamic Research and Studies*, 3(28).
- Mahdavi Sabet, M., & Abdian, M. (2018). The Effects of Restorative Justice in Prosecution of Juvenile in Code of Criminal Procedure 2014. *Quarterly Journal of Judgment*, 18(95).
- Moghimi, M., & Mirshekari, M. (2022). Analyzing the Necessary Indicators for the Interaction of Judicial Officers with Other Forces in Preliminary Investigations. *Quarterly Journal of Modern Jurisprodence and Law*, 3(10).
- Pourghahramani, B., & Kermanian, P. (2023). Components and Features of the Oral Indictment Institution in the Iranian Criminal Procedure System. *Judicial Law Perspectives Quarterly*, 27(100).
- Pourghahramani, B., & Negahdar, E. (2019). Assessing the Judiciary's Approach to Applying New Arbitrary Institutions (Case Study: Criminal Courts of Kurdistan Province). *Two-Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 48(2).
- Rafiei Tabatabaei, S. H. (2020). Reviewing the Actions of the Judiciary in Order to Improve the Proceedings and Its Effect on Reducing the Length of Proceedings. *Economic Juricprudence studies*, 2(4).
- Rajabi Tajamir, E., & Razavi, M. (2016). The Role of the General Judiciary Officers in Prolongation of Proceedings (Causes and Solutions). *Quarterly Journal of Research Police Science*, 2(71).
- Riyazi, F. (2019). Investigating the Ratio of Improving the Efficiency of the Judiciary and the Use of Technology in Judicial Electronic Service Offices. *Monthly International Journal of Nations Research*(47).
- Rustayi, M. (2009). Evaluation of Criminal Intervention in the Field of Economic Crimes. *KARAGAH Scientific Journal*, 2(7).
- Towfigh, E., & Tahmak, M. R. (2020). Challenge of Specialization in Social Security Organization of Iran. *Quarterly Journal of Social Security*, 16(3).
- United Nations Office on Drug Crime. (2010). *Commentary on the Bangalore Principles* (M. A. Shah Heydaripour, Trans.). Khorsandi Publication.
- Yari Nik, A. A., & Shabannia Mansour, M. (2020). The Impact of Electronic Judicial Service Offices on Reducing Procrastination. *Colmination of Law Quarterly*, 6(2).
- Yousefinejad, N., & Aghajani, M. (2017). Reducing the Imprisonment Punishment and the Role of the Judiciary System's Central Policy in Establishing the Lenient Institutions. *Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*, 3(2.2).
- Zadehossein Oliaei, Z. (2017). *Review of Electronic Proceedings in the Criminal System in Iran*. Majd.